



جیسون دمارس
خدمت حقیقت حاضر
جولای ۲۰۱۶

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است. عبرانیان ۸:۱۳

چند سال پیش، هر سه ماه یک بار نامه‌ای تعلیمی می‌نوشتیم، که به زبان فارسی و اردو ترجمه می‌شد. ما شهادت‌های بسیاری در مورد مقالاتی که نوشته شد، دریافت نمودیم. از آنجا که سؤالاتی در مورد بسیاری از موضوعات و مطالب وجود دارد و همچنین تمایل زیاد به یادگیری و رشد کردن وجود دارد، این مسولیت و انگیزه را حس نمودم که بار دیگر آن را آغاز نمایم. هدف و خواست ما ایستادن در تعلیم برادر برانهم و نشان دادن واضح آن تعلیم می‌باشد. این مسولیت و کاری است که من برای آن فراخوانده شده‌ام.

نسخه‌ی ماه جولای، سه موضوع مهم را پوشش می‌دهد:

۱. ایام پسر انسان
۲. دست‌گذاری
۳. راز کشتی

ایام پسر انسان

"لیکن چنانکه ایام نوح بود، ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود." انجیل متی

۳۷:۲۴

موضوع آمدن پسر در ایام و دوره‌ی ما بسیار حائز اهمیت است. ما در زمان آخر زیست می‌کنیم، این امر اثبات شده است، همان‌طور که می‌بینیم بسیاری از نبوت‌های کتاب مقدس گردهم می‌آیند. برای روشن ساختن این نکته به جنگی که در حزقیال ۳۸ و ۳۹ از آن صحبت شده است، فکر کنید. کلام به جنگی بین اسرائیل و دشمنانشان اشاره می‌کند؛ مسکو، پارس (ایران)، توبال (ترکیه)، اتیوپی (که در ایام کتاب مقدس شامل سودان و سومالی می‌شد)، و لیبی در میان دیگران. همان‌طور که این کشورها منافع متقابلشان را هماهنگ می‌سازند، قطعات پازل گردهم می‌آیند. بخصوص این نکته شگفت‌آور است که ما می‌بینیم روسیه آغاز به هماهنگ سازی منافعش با ایران (پارس) کرده است، و همچنین ترکیه وارد همکاری با ایران شده است. در مرحله دوم، علامت دیگر این زمان، همان‌طور که عیسی در متی ۲۴ تعیین نمود، این است که زمین لرزه‌ها افزایش خواهند یافت و جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را خواهید شنید. اکنون زمان آن برای ما فرا رسیده است که سرهای خود را بلند کنیم، چرا که خلاصی ما نزدیک است.

ما در ساعت محقق شدن آمدن پسر انسان زیست می‌نماییم. یک نکته مهم قابل توجه این است که «آمدن» نخست ماشیح کاملاً خلاف آن چیزی بود که یهودیان «کلیسا»ی جهان پیش‌بینی کرده بودند.

آنها انتظار نداشتند که ماشیح بیاید، برای گناهان ما زحمت ببیند، و از مردگان برخیزد. آنها انتظار یک فاتح را داشتند، و متوجه نشدند که آن نمود ماشیح بعداً خواهد آمد. آنها به دلیل درکشان از این مسئله که ناشی از تفسیر اشتباه بود، کاملاً آمدن مسیح را از دست دادند.

"بر همین منوال خواهد بود در روزی که پسر انسان ظاهر شود." انجیل لوقا ۱۷: ۳۰

کلمه‌ی ظاهر شدن در اینجا به معنای پرده برداری و آشکار شدن چیزی است که پنهان بوده است. هنگامی که آیات مرتبط با بازگشت ثانویه را می‌خوانیم، باید پیش‌بینی کنیم که آن خلاف چیزی است که کلیسای دنیوی انتظار دارد. ما باید آن را در دست خدا قرار دهیم تا با انجام دادن آنها کلام خودش را تفسیر کند.

"^{۲۶} و چنانکه در ایام نوح واقع شد، همان‌طور در زمان پسر انسان نیز خواهد بود،^{۲۷} که می‌خوردند و می‌نوشیدند و زن و شوهر می‌گرفتند تا روزی که چون نوح داخل کشتی شد، طوفان آمده همه را هلاک ساخت.^{۲۸} و همچنان که در ایام لوط شد که به خوردن و آشامیدن و خرید و فروش و زراعت و عمارت مشغول می‌بودند،^{۲۹} تا روزی که چون لوط از سدوم بیرون آمد، آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه را هلاک ساخت." ^{۳۰} بر همین منوال خواهد بود در روزی که پسر انسان ظاهر شود." انجیل لوقا ۱۷: ۲۶-۳۰

هنگامی که خدا شروع به توصیف مکاشفه‌اش می‌کند، آن را مشابه «ایام نوح» می‌داند. برای آن دسته از ما که با کتاب مقدس آشنا هستیم، به یاد می‌آوریم که نوح به مدت ۱۲۰ سال موعظه کرده و کشتی را آماده نمود، تا اینکه سیل آمد. به یاد آورید که این ایام پسر انسان است. این یک دوره‌ی زمانی است، نه یک رویداد ناگهانی و فوری که او از آن سخن بگوید. اینها جنبه‌های آمدن او می‌باشند، یعنی ناگهانی و فوری. اما باید درک کنیم که کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد که ایام مکاشفه‌ی پسر انسان، یک دوره‌ی زمانی، پیش از نابودی ناگهانی و فوری پادشاهی انسان است.

عیسی می‌گوید که در ایام نوح آنها می‌خوردند و می‌نوشیدند و زن و شوهر می‌گرفتند، گویی اتفاقی در حال وقوع نبود. در دنیا هیچ چیز تغییر نکرده بود، اما در قلمرو روحانی، خیلی چیزها تغییر کرده بود. در ایام نوح پیغامی به دنیا موعظه می‌شد که

توبه کرده و داخل کشتی شوید. بنابراین در ایام پسر انسان نیز که دوره‌ی پیش از نابودی زمین است، پیغامی برای توبه به دنیا خواهد آمد.

در مرحله‌ی بعد، سپس خداوند ایام پسر انسان را مانند ایام لوط می‌داند. در طول ایام لوط چه اتفاقی افتاد؟ همجنسگرایی در شهر سدوم در یک موقعیت آشکار و ستیزه‌جویانه قرار داشت. در طول ایام لوط، ابراهیم بیرون از سدوم بود. سه نفر ابراهیم را ملاقات می‌کنند، یکی از آنها خداوند خدا و دو نفر دیگر فرشتگان خدا بودند. خدا از فرزنده وعده‌اش با او سخن گفت و سارا در قلبش خندید. خداوند که افکار دل سارا را تشخیص داده بود، با ابراهیم سخن گفت. او گفت: "چرا سارا خندید؟" او افکار سارا را می‌دانست. درست همان‌طور که خدا در ایام لوط بر ابراهیم ظاهر شد، بار دیگر در جسم انسان ظاهر شده تا خود را به آنانی که از سدوم به بیرون خوانده شده‌اند، نشان دهد. یک گروه ایماندار در سدوم بودند، لوط؛ و یک گروه دیگر بیرون از سدوم بود، ابراهیم. امروز نیز چنین است. برخی از قوم خدا هنوز در سیستم فرقه‌ای زندگی می‌کنند و قوم برگزیده‌ی خدا نیز وجود دارد، که از سیستم دنیوی به بیرون فراخوانده شده‌اند. آنها شاهد این بودند که خدا بار دیگر در جسم انسانی ظاهر شد، تا افکار دل را تشخیص دهد.

حقیقت آشکار شده

آن دسته از ما که پیغام فرستاده شده‌ی خدا از طریق ویلیام برانهام را پذیرفته‌ایم، می‌توانیم از طریق قدرت مقتدری که به نمایش در آمد، درک کنیم که اتفاق خاصی صورت گرفته است. شما می‌توانید از طریق این لینک، خدا را در عمل تماشا کنید که خودش را از طریق نبی‌اش آشکار می‌سازد.

<https://youtu.be/WF7kXCyQe04>

این تصمیم خداست که این امر را از طریق ظرف برگزیده‌اش توضیح دهد. خدا آموزه‌ی ویلیام برانهام را به طریقی بسیار خاص و منحصر بفرد به اثبات رساند. این آموزه می‌بایست و مطمئناً از کتاب مقدس می‌آید. کتاب مقدس قدرت مطلق و نهایی است، لیکن خدا برای اثبات معجزات مسیح، بار دیگر از طریق خدمت برادر برانهام سخن گفت. معجزه‌ی مسیح، دانستن افکار دل مردم بود. به واکنش‌های متفاوت حواریون نسبت به دانستن اسرار زندگی مردم توسط عیسی، توجه کنید:

"^{۴۷} و عیسی چون دید که نتنائیل به سوی او می‌آید، درباره‌ی او گفت، اینک، اسرائیلی حقیقی که در او مکرری نیست. ^{۴۸} نتنائیل بدو گفت، مرا از کجا می‌شناسی؟ عیسی در جواب وی گفت، قبل از آنکه فیلیپس تو را دعوت کند، در حینی که زیر درخت انجیر بودی، تو را دیدم. ^{۴۹} نتنائیل در جواب او گفت، ای استاد! تو پسر خدایی. تو پادشاه اسرائیل هستی!" انجیل یوحنا ۱: ۴۷-۴۹

"^{۱۷} زن در جواب گفت، شوهر ندارم. ^{۱۸} عیسی بدو گفت، نیکو گفتی که شوهر نداری! زیرا که پنج شوهر داشتی و آنکه الآن داری، شوهر تو نیست! این سخن را راست گفتی! ^{۱۹} زن بدو گفت، ای آقا، می‌بینم که تو نبی هستی! ^{۲۵} زن بدو گفت، می‌دانم که مسیح یعنی گرشئس می‌آید. پس هنگامی که او آید از هر چیز به ما خبر خواهد داد." انجیل یوحنا ۴: ۱۷-۱۹، ۲۵

هنگامی که یهودی‌ها و سامری‌ها دیدند که او اسرارشان را به ایشان می‌گوید، بلافاصله متوجه شدند که در حال صحبت کردن با ماشیح می‌باشند. ویلیام برانهام نیز همین معجزه را در خدمتش داشت. این امر او را تبدیل به ماشیح نمی‌کرد، بلکه حضور عیسی مسیح را به شیوه‌ای بسیار قابل توجه و منحصر بفرد نشان می‌داد.

به این نقل قول توجه کنید که برادر برانهام در مورد خدمتش چه می‌گوید:

"این در حال حاضر است. و امیدوار هستم که این موضوع را در این جلسه شخصی نسازم، لیکن روحی که درون شماست و از طرف خدا به شما داده شده، می‌تواند آنچه را که در موردش سخن می‌گویم، درک کند. پسر انسان در جلال خود آمده و طی چند سال گذشته خودش را در رحمت به کلیسایش آشکار می‌کند، حضور عالی‌اش را به ایشان نشان می‌دهد و همان اعمالی را به انجام می‌رساند که زمانی که بر روی زمین بود، به انجام می‌رسانید؛ و خود را آشکار می‌سازد، همان‌طور که خود را به ابراهیم آشکار ساخت. او اکنون پیش از نابودی، در رحمت آمده و خود را به کلیسا آشکار می‌سازد. او مورد تمسخر و خنده قرار می‌گیرد. بار دیگری که او خود را آشکار سازد، زمان داوری جهان خواهد بود و مللی که خدا را فراموش کرده و در فیض گناه کرده‌اند، روز فیض ایشان پایان خواهد پذیرفت. چون ایشان خدا را فراموش کرده‌اند و آنها در حال انجام همان اعمالی هستند که آن زمان با فرشته‌ی خداوند کردند، تمسخر و مورد استهزا قرار دادن آن. لیکن او اکنون در رحمت اینجاست."^۱

او در جواب سؤال (آیا مکاشفه‌ی پسر انسان جایی در آینده خواهد آمد؟) می‌گوید که پسر انسان در حالت روح از آسمان آمده و خود را آشکار کرده است، همان‌طور که در ایام لوط، خود را به ابراهیم آشکار ساخته بود.

این سخن کاملاً متحیر کننده است، باید توجه ما را جلب کرده و باعث شود بار دیگر فکر کنیم. ما می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که آمدن مسیح، تنها آمدن او از لحاظ جسمی از آسمان برای ملاقات ما در هوا نمی‌باشد. او از طریق ظهور و مکاشفه‌ی عظیم مسیح در خدمت برادر برانهام آمد.

^۱ ۰۹-۵۸-۰۱ - پیش‌برگزیدگی - شیکاگو، ایلینوی - برادر ویلیام ماریون برانهام

[توجه: این تعلیم نباید با آموزه‌ی نادرستی اشتباه گرفته شود که می‌گوید هیچ بخشش دیگری برای ما وجود ندارد، یا اینکه ما در سلطنت هزار ساله‌ی مسیح می‌باشیم، بلکه ما از لحاظ روحانی سخن می‌گوییم. تمامی این وقایع در زمان آینده خواهند. این تنها به ما می‌گوید که روند ربودگی و هلاکت ناگهانی آینده و بازگشت مسیح به این زمین، چگونه آغاز خواهد شد.]

"۲۳۸ آن مردی که آن پشت نشسته است، توموری در پشتش دارد. آیا ایمان داری که آن تومور را از پشت برخواهد داشت؟ آیا ایمان داری که خدا تو را شفا خواهد داد؟ آن مرد جوان، به من نگاه کرد و فکر کرد که از او رد خواهم شد. دستتان را بالا بگیرید. درست است. شما با تمام قلبتان ایمان دارید، خدا این تومور را از پشتتان برخواهد داشت."

۲۳۹ هلولیو! من تمام حضار را در نام عیسی مسیح، به چالش می‌کشم. اگر می‌توانید، اگر ضمیر شما... اجازه ندهید ضمیرتان از بی‌ایمانی گرم شود، اجازه ندهید زندانی شود. آیا نمی‌توانید پسر انسان را ببینید؟ پسر انسان در حالت پیغام نبوتی، بار دیگر به کلیسایش بازگشته و در نبوت آشکار می‌سازد که عیسی مسیح دیروز، امروز، و تا ابدالابد همان است؟ این کار هرگز تاکنون در طول اعصار انجام نشده است. می‌بینید؟ مدرک آن موجود است.^۲

برای اینکه این موضوع بیشتر روشن شود، بیایید موعظه‌ی «ربوده شدن» را بخوانیم:

"۱۴۲ برادر و خواهر عزیزم! وقوع این چیزها را ببینید. خدا در آسمان می‌داند که هم اکنون می‌توانم بر روی این صحن بمیرم. شما تنها باید برای مدتی اطاعت کنید. این

^۲ ۶۵-۴۲۵ - مکان برگزیده‌ی خدا برای پرستش - لس آنجلس، کالیفرنیا - برادر ویلیام ماریون برانهام

فقط... این فوق العاده است، می بینید خدا از آسمان می آید و مقابل گروهی از مردان قرار می گیرد، آنجا می ایستد و مانند همیشه خود را اعلام می کند. و این حقیقت است، و این کتاب مقدس باز است. می بینید؟ درست است. ما اینجا قرار داریم.^۳

خود خدا از آسمان نازل شده تا برای آشکار نمودن خود مقابل گروه‌هایی از مردم بایستد. "مرکز اصلی آن، پیغام است. آن اینجاست، چیزی که از اینجا بیرون می آید. او سعی دارد توجه قومش را جلب کند، تا اینکه ایشان ایستاده و به او گوش فرا دهند. می بینید؟ برخی افراد هستند که حیات برایشان مقدر شده است." خدا نازل می شود تا خود را آشکار سازد، بتواند توجه ما را جلب کند تا اینکه ما ایستاده و به او که اسرار خود را به ما می گوید، گوش دهیم.

"^{۳۷} لیکن چنانکه ایام نوح بود، ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود. ^{۳۸} زیرا همچنان که در ایام قبل از طوفان می خوردند و می آشامیدند و نکاح می کردند و منکوحه می شدند تا روزی که نوح داخل کشتی گشت، ^{۳۹} و نفهمیدند تا طوفان آمده، همه را ببرد، همچنین ظهور پسر انسان نیز خواهد بود." انجیل متی ۲۴:۳۷-۳۹

محققین نبوت تعلیم می دهند که آمدن پسر انسان رویدادی ناگهانی است. اما آیا کتاب مقدس این را به ما تعلیم می دهد؟ بله و خیر. همان طور که قبلاً گفتیم، برخی از جنبه‌های آن رویدادهایی ناگهانی است، اما برخی از جنبه‌های آن چنین نیست. همان طور که در لوقا باب ۱۷ می گوید، چنانکه ایام نوح بود، ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد بود. نه آن روزی که نوح وارد کشتی شد، بلکه ایام نوح؛ یک دوره‌ی زمانی، قبل از سیل.

^۳ ۱۲۰۴-۶۵ - ربوده شدن - یوما، آریزونا - برادر ویلیام ماریون برانهام

سیل، رویدادی ناگهانی و بلافاصله بود (اگرچه ۴ روز به طول انجامید). ایام نوح، یک دوره‌ی زمانی بود که پسران خدا (از نسل آدم) دختران آدمیان (نسل قائن) را دیدند که نیکو منظرند، و از هر کدام که خواستند، زنان برای خویشان می‌گرفتند و انسان‌های دورگه‌ی غول پیکر تولید نمودند. آنها در طول این دوره در گناه، می‌خوردند و می‌آشامیدند. این زمانی بی‌مانند برای شریر بود و خدا گفت از اینکه انسان را بر زمین ساخته، پشیمان است؛ زیرا همه طریق‌هایش شریر است.

اصول کلی و هشدارها در مورد انبیای کذب

بیاید سخنان عیسی خداوند را در لوقا ۱۷، دقیق‌تر بررسی کنیم. او در این بخش رنجی از آنچه باید به دنبالش باشیم و از چیزی که باید حذر کنیم، به ما می‌دهد.

"^{۲۰} و چون فریسیان از او پرسیدند که ملکوت خدا کی می‌آید، او در جواب ایشان گفت، ملکوت خدا با مراقبت نمی‌آید ^{۲۱} و نخواهند گفت که، در فلان یا فلان جاست. زیرا اینک، ملکوت خدا در میان شما است. ^{۲۲} و به شاگردان خود گفت، ایامی می‌آید که آرزو خواهید داشت که روزی از روزهای پسرانسان را ببینید و نخواهید دید. ^{۲۳} و به شما خواهند گفت، اینک، در فلان یا فلان جاست، مروید و تعاقب آن مکنید. ^{۲۴} زیرا چون برق که از یک جانب زیر آسمان لامع شده تا جانب دیگر زیر آسمان درخشان می‌شود، پسرانسان در یوم خود همچین خواهد بود." انجیل لوقا ۱۷: ۲۰-۲۴

آنها می‌پرسند که ملکوت خدا چه زمانی می‌آید. او ایشان را مطلع ساخت که ملکوت خدا در میان ایشان است، نه بصورت دیداری، بلکه در یک نمایش بیرونی، و با این حال علناً مانند صاعقه‌ای درخشان و آشکار، دیده می‌شود.

او شاگردانش را مطلع می‌سازد که آنها شخصاً خواهند خواست که یکی از روزهای پسر انسان را ببینند، اما نخواهند دید. او قرار بود مصلوب شود، به آسمان صعود کرده و دست راست خدا بنشیند. آنها قبل از اینکه این وقایع حادث شوند، فوت کرده و از صحنه خارج شدند. بنابراین، یکی از ایام پسر انسان که آنها مایل بودند ببینند، چیست؟ آیا آنها می‌خواستند با او ناهار خورده یا به ماهیگیری بروند؟ یا آنها مشتاق بودند که خدمت او را در عمل ببینند، تشخیص افکار، شفاهات، معجزات، حکمت رسیدگی به موقعیت‌های گوناگون؟ درحالی‌که آنها بدون شک مشتاق بودند با عیسی مشارکت داشته باشند؛ به طور خاص آنها مشتاق بودند که خدمت او را بصورت عملی در دنیا ببینند.

جان گیل در مورد این آیه‌ی ۲۲ می‌نویسد، «ایام ماشیح»، عبارتی که به کرات در نوشته‌های یهودی مورد استفاده قرار گرفته، به این معناست؛ زمانی که آنها باید از چنین روزی در حضور شخص مسیح لذت ببرند، همان‌طور که لذت می‌بردند؛ و به جای نگرستن به آینده برای روزهای شاد، در یک مفهوم زمانی، آنها به ایامی که در گذشته با مسیح داشتند، نگاه می‌کنند. هنگامی که او در زندان در میان ایشان بود و آرزو می‌کنند که ایکاش بار دیگر یکی از آن روزها را داشتند؛ زمانی که در کنار حضور جسمانی‌اش بودند، با او عشای ربانی روحانی داشتند و ثمرات خدمت و معجزات او، آنها دارای آرامش و آسودگی بسیار بیرونی بودند.

اکنون ما می‌خوانیم اشخاصی خواهند آمد که ادعا می‌کنند نبی و تجلی مسیح می‌باشند، نباید اینها را باور کرد. به دنبال افرادی که شما را به بیابان یا اندرونی خانه فرا می‌خوانند نروید و از ایشان پیروی نکنید. همان‌طور در متی ۲۴:۲۶-۲۷ گفته شده؛ زیرا همچنان که صاعقه در شرق آسمان پدید می‌آید و نورش تا به غرب می‌رسد، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود. هنگامی که صاعقه بیاید چه کاری انجام می‌دهد؟ آسمان‌ها تاریک می‌شوند و دیدن دشوار خواهد شد، بخصوص زمانی که شما در حال رانندگی

در فضای باز بیابان هستید. ممکن است تاریک باشد، اما زمانی که نور صاعقه از دوردست پدیدار می‌شود، زمین روشن می‌شود. بنابراین صاعقه، روشنایی را به همراه می‌آورد و همه می‌توانند در این نور تا فواصل دور را ببینند. مکاشفه‌ی پسر انسان روشنایی به همراه خواهد داشت و توسط تمام جهان دیده خواهد شد. این موضوع خدمت برادر ویلیام برانهام است. خدمت او اسرار مخفی کتاب مقدس را روشن ساخت و بصورت جهانی انجام شد، با یک تاثیر جهانی.

مکاشفه‌ی پسر انسان چنین خواهد بود:

۱. آوردن روشنایی
۲. در سرتاسر دنیا دیده خواهد شد
۳. خدمت او بار دیگر آشکار خواهد شد
۴. در میان ما

آمدن چیست؟

بیاید نگاه عمیق‌تری بیاندازیم به کلمه‌ی یونانی‌ای که در متی ۲۴:۳۷ بعنوان «ظهور» ترجمه شده است. کلمه‌ی ظهور در زبان یونانی «Parousia» و به معنای حضور است. همان‌طور که در بخش نخست صحبت برادر برانهام دیدید، او گفت: "پسر انسان در جلال خود آمده و طی چند سال گذشته خودش را در رحمت به کلیسایش آشکار می‌کند، حضور عالی‌اش را به ایشان نشان می‌دهد و همان اعمالی را به انجام می‌رساند که زمانی که بر روی زمین بود، به انجام می‌رسانید؛ و خود را آشکار می‌سازد، همان‌طور که خود را به ابراهیم آشکار ساخت."

ایام نوح نمادی است از «Parousia»، یا حضور پسر انسان. همان‌طور که ایام پسر انسان، دوره‌ی پیش از آن است که خشم خدا با سیل بیاید، «Parousia» پسر انسان نیز دوره‌ای است قبل از آن که خشم خدا توسط آتش ریخته شود.

عیسی نگفت که «حضورش» یا آمدنش تنها مانند سیل خواهد بود، بلکه مانند ایام پیش از آن تا وقوع سیل می‌باشد. آن دوره‌ی زمانی، هنگامی خواهد بود که حضور او آشکار خواهد شد. پیش از سیل، پیغام بخشش و نجات موعظه شد که تبدیل به پیغام داوری شد. در طول ایام لوط، خدا به ابراهیم ظاهر شد تا افکار سارا را آشکار سازد. این پیغام، پسر وعده بود.

در نظر دنیا او هنوز آشکار نشده است. هیچ چیز تغییر نکرده است و آنها به «خوردن و آشامیدن و نکاح کردن و منکوحه شدن» ادامه می‌دهند. این زمانی است که ما در آن زندگی می‌کنیم. آنها کاملاً از حضور پسر انسان در میان مردم بی‌اطلاع هستند. اگرچه درست مانند زمان نوح، پیغام اخطار داده شد، اما آنها آن را نادیده گرفتند. پیغام حضور او نادیده گرفته می‌شود، تا زمانی که آتش نازل شود و همه‌ی آنها را نابود کند. درست مانند کاری که سیل در زمان نوح انجام داد.

قبل از سیل، آنها بر اساس لذات برخواسته از شهوات جسم و ذهن زندگی می‌کردند. نوح با پیغامی اخطار دهنده آمد که داوری در راه است، اما آنها در لذات و شرارت خود ادامه دادند، بدون اینکه بدانند نابودی آنها در شرف وقوع بود.

نتیجه

در این روز ما از طریق کارهای عظیم خدا در خدمت و پیام برانهم شاهد «حضور»

(نسخه‌ی کینگ جیمز می‌گوید «آمدن») پسر انسان بودیم. خدا خدمت او را با آشکار ساختن حضور خود در آن، به اثبات رساند. پیغامی برای توبه داده شد و دنیا ادامه داده و گفت: "دولتمندم؛ مال اندوخته‌ام و به چیزی محتاج نیستم." این همانند ایام نوح است که آنها در حال خوردن و آشامیدن و نکاح کردن و منکوحه شدن بودند و نمی‌دانستند که نابودی نزدیک است. پیغام در این روز، مانند همان پیغام زمان نوح است. نوح به مردم تعلیم داد که کشتی تنها مکان امن است. در این روز، کشتی کلام خداست، عیسی مسیح و بودن در او توسط تعمید روح‌القدس، تنها مکان امن است. برای اینکه در مقابل داوری پیش رو در امان باشیم، باید وارد مسیح شویم.

برای تکرار، این چیزی است که در ایام نوح واقع شد...

۱. نوح پیغام خدا را داشت که مردم را فرا خواند تا وارد کشتی شوند.
۲. مردم راضی بودند که در وضعیت موجود ادامه دهند و به پیغام خدا اهمیتی ندهند.
۳. خدا نابودی را بر ایشان آورد.

و در ایام لوط...

۱. ستیزه جویان همجنسگرا در سدوم و عموره ساکن بودند.
۲. خدا به ابراهیم ظاهر شده و وعده پسری را که قرار بود بیاید، می‌دهد.
۳. افکار قلب سارا را آشکار ساخت.
۴. به ابراهیم در مورد نابودی قریب الوقوع سدوم و عموره هشدار داد.
۵. خدا با استفاده از دو فرشته، لوط را از سدوم بیرون آورد.
۶. خدا شهرهای سدوم و عموره را سوزاند.

کاربرد نماد تحقق یافته‌ی ایام نوح و ایام لوط در زمان آخر چنین است:

۱. آمدن (حضور) پسر انسان، رویدادی است که در یک دوره‌ی زمانی صورت می‌گیرد.
۲. پیغامی برای کلیسا به جهت توبه و بازگشت به مسیح، تنها مکان امن، آمده است.
۳. حضور پسر انسان، از طریق خدمت ویلیام برانهام و از طریق آشکار ساختن اسرار قلب مردم، ظاهر شده است.
۴. اکثریت کلیسای دنیا در وضع موجود ادامه می‌دهند، اگرچه خدا پیغامی را به ایشان فرستاده است.
۵. خدا در روز داوری آتش بر این زمین نازل خواهد کرد.

دست‌گذاری

به تازگی سؤالی را در مورد دست‌گذاری دریافت کردم. آن هم در مورد دعای همراه آن برای مریض و دست‌گذاری بر خادمین بود. بنابراین می‌خواهیم به آیات نگاه کنیم تا متوجه این موضوع شویم. این امر توسط پاتریارخ به منظور برکت و قدرت دادن انجام می‌شد. این عمل همچنین توسط انبیا برای منصوب کردن و تصویب رهبری و خدمت دیگران انجام می‌شد. اینجا، هنگامی که موسی یوشع را منصوب کرد، دستانش را بر یوشع قرار داد. (اعداد ۲۷:۱۵-۲۳ و تثیبه ۹:۳۴ را بخوانید).

"بدو التماس بسیار نموده، گفت، نفس دخترک من به آخر رسیده. بیا و بر او

دست‌گذار تا شفا یافته، زیست کند." انجیل مرقس ۵:۲۳

این نخستین اشاره به دست‌گذاری در انجیل‌ها می‌باشد. شخصی که ایمان داشت قدرت خدا از طریق عیسی مسیح کار می‌کند، از او التماس کرد که بر دخترش دست

بگذارد. این نشان می‌دهد که این طرز فکر از پیش وجود داشته، چون توسط این مرد ابداع نشد، بلکه چیزی بود که در جامعه‌ی یهودی صورت می‌گرفت. در عهد عتیق، ایسح بر روی پسری که مرده بود، دراز کشید. این از طریق قدرت خدا، در زندگی مرد خدا بود، که یک شخص می‌توانست شفا بیابد. و این مرد نیز که خواستار شفای دخترش بود، به سادگی درخواست دست‌گذاری نمود.

"^{۱۷} و این آیات همراه ایمانداران خواهد بود که به نام من دیوها را بیرون کنند و به زبان‌های تازه حرف زنند ^{۱۸} و مارها را بردارند و اگر زهر قاتلی بخورند، ضرری بدیشان نرساند و هرگاه دست‌ها بر مریضان گذارند، شفا خواهند یافت." انجیل مرقس

۱۸-۱۷:۱۶

عیسی وعده می‌دهد که آیات همراه ایمانداران خواهد بود. توجه داشته باشید، او این را تنها به شاگردانش نگفت، بلکه این را به تمامی ایمانداران می‌گوید. حال می‌بینیم که دست‌گذاری، از طرف یک ایماندار پر از روح، شفا را ثمر می‌دهد.

"^{۱۴} اما رسولان که در اورشلیم بودند، چون شنیدند که اهل سامره کلام خدا را پذیرفته‌اند، پطرس و یوحنا را نزد ایشان فرستادند. ^{۱۵} و ایشان آمده، به جهت ایشان دعا کردند تا روح‌القدس را بیابند، ^{۱۶} زیرا که هنوز بر هیچ‌کس از ایشان نازل نشده بود که به نام خداوند عیسی تعمید یافته بودند و بس. ^{۱۷} پس دستها بر ایشان گذارده، روح‌القدس را یافتند." اعمال رسولان ۱۴:۸-۱۷

در این آیات روح‌القدس به اشخاصی داده شد، که رسولان برایشان دعا کردند. آن مبشر به سامریان موعظه کرده و حتی ایشان را در نام خداوند عیسی تعمید داده بود، لیکن ایشان هنوز روح را نیافته بودند. بنابراین آنها رسولان را فراخواندند تا بر ایشان دست‌گذارده و دعا کنند تا تعمید روح‌القدس را بیابند.

ما هر دفعه و هر زمان که یک ایماندار جدید را در آب تعمید می‌دهیم موظف به انجام این کار می‌باشیم، بر ایشان دست‌گذاری می‌کنیم تا روح‌القدس را بیابند. این بدین معنا نیست که دستان شما دارای قدرتی است. بدین معنا است که شما به عنوان ایماندار در زندگی‌تان دارای روح‌القدس می‌باشید، پس در زندگی شما قدرتی وجود دارد که خدا از طریق آن عمل می‌کند.

"زهار از آن کرامتی که در تو است که بوسیله‌ی نبوت با نهادن دست‌های

کشیشان به تو داده شد، بی‌اعتنایی منما." اول تیموتائوس ۴:۱۴

درک این آیه می‌تواند دشوار باشد. بیایید آن را تحلیل کنیم. نخست بیایید درک کنیم که عطیه‌ای از طرف خدا عطا شده است. این عطیه از طرف هیچ‌شبان یا رسولی داده نمی‌شود. تنها خدا می‌تواند عطیه‌ای را به شخصی عطا کند. این قدرتی است که او در زندگی یک ایماندار قرار می‌دهد تا هدف خاصی را برای ملکوت خدا به انجام برساند. عطیه توسط نبوت عطا نمی‌شود، بلکه توسط یک نبی در کلیسا، یک نبوت به تیموتائوس داده شد و عطیه توسط خدا عطا شد. پولس می‌نویسد که این عطیه توسط دست‌گذاری مشایخ داده شد. حال این بدین معنا نیست که مشایخ این عطیه را داده‌اند. تنها کاری که مشایخ می‌توانستند انجام دهند، این بود که عطیه داده شده را تشخیص دهند. این روند انتصاب است که در کلیسای محلی صورت می‌گیرد. توسط مشیت خدا و قوت روح‌القدس، عطیه‌ای به جهت خدمت، به تیموتائوس داده شد. مشایخ دور هم گرد آمدند تا او را برای خدمت منصوب نمایند، و عطایایی را که او از پیش در اختیار داشت، تشخیص دهند. درحالی‌که این امر واقع می‌شد، نبوتی در مورد تیموتائوس انجام شد. در این نبوت عطیه‌ای که در تیموتائوس بود و شاید هدف آن عطیه، گفته شد.

این روش معمول برای انتصاب یک خادم بود. آنها مشایخ کلیسای محلی را

گردهم می آوردند و بر خادمین دست گذاری می کردند تا نشان دهند، خدمت او و عطیه اش را به رسمیت می شناسند و آن را تأیید می کنند.

"و دست ها به زودی بر هیچ کس مگذار و در گناهان دیگران شریک مشو، بلکه

خود را طاهر نگاه دار." اول تیموتائوس ۲:۵

تیموتائوس از طرف پولس موظف می شود که به زودی بر هیچ کس دست نگذارد. این در مورد همان روندی سخن می گوید که تیموتائوس برای منصوب شدن و به رسمیت شناخته شدن خدمتش طی کرد. آنها بر او دست گذاری کردند. پولس می گوید که این کار را زود یا ناگهانی انجام ندهید. زمان بدهید. مطمئن شوید که آنها نو ایمان نمی باشند، و به اندازه ی کافی بالغ هستند که یک خدمت را اداره کنند و وارد خواندگی شان از طرف خدا شوند.

عمل دست گذاری از سوی خدا بعنوان ابزاری انتخاب شد تا کلیسایش را در کارهایی که خود انجام می دهد، وارد کند. این بدین معنا نیست که دستان ما دارای قدرت خاصی می باشد، لیکن نشان می دهد که ما به عنوان ایماندار در قدرت خدا سهیم می باشیم. تنها خدا می تواند شفا دهد. نه دستان من و نه دعای من به تنهایی نمی تواند شفا دهد. عیسی همیشه به اشخاصی که شفا می یافتند می گفت: "ایمانت تو را شفا داده است." هنگامی که بر کسی دست گذاری کرده و دعا می کنیم که ثمر بدهد، این ایمان ماست که با هم متحد می شود.

راز کشتی

پس از پوشش دادن ذریت مار، بسیاری این سؤال را پرسیدند که چگونه ذریت مار در ایام نوح، پس از سیل نیز منتقل شد. ما به آن راز کشتی می گوئیم. دلیل این سؤال به

دلیل تعلیم عیسی مسیح در یوحنا ۸ می‌باشد. اگر یوحنا ۸:۳۹ تا ۴۷ را بخوانید، کل زمینه را خواهید دید. عیسی به ایشان می‌گوید که پدرشان ابلیس است و فریسیان در جواب می‌گویند که آنها از زنا زاییده نشده‌اند. بر این اساس، می‌توانیم درک کنیم که پس از آن سیل، هنوز هم ذریت مار وجود دارد. سؤال بسیار مناسب است. چگونه ذریت مار از سیل گذر کرد یا منتقل شد؟ و این رازی است که کلام خدا پاسخ خواهد داد.

بیاید با سه حقیقت که قطعاً آنها را درک می‌کنیم، شروع کنیم.

۱. کل نژاد بشر از نوح و همسرش می‌آیند.
 ۲. نوح در نسل خودش کامل بود. او پسر پاک و در عین حال حیوط کرده‌ی آدم بود، آدم نیز پسر خدا بود.
 ۳. طبیعت ما از ژنتیک نشأت گرفته و از پدر، مادر و تجربیاتمان به ما رسیده است.
- در زمان حیوط در باغ عدن، در آدم و حوا یک تغییر ژنتیکی صورت نگرفت. آنها جاودانگی‌شان را از دست دادند، اما تبدیل به چیزی متفاوت نشدند. آنها در گناهان و خطاهایشان مرده بودند، حکم مرگ را با خود حمل کرده و به فرزندانشان انتقال دادند. اگرچه این امر ترکیب پایه‌ی ژنتیک آنها را تغییر نداد. آدم را نمی‌شد فریب داد، اما حوا را چرا.

"و آدم فریب نخورد، بلکه زن فریب خورده، در تفصیر گرفتار شد." اول

تیموتائوس ۱۴:۲

"او در خلقت اصلی، نخستین نبود. او در آدم بود، اما خودش از ابتدا با جنسیت مونث نبود. او محصول فرعی بود که ساخته شد.

۱۱۲ تاکنون چیزی طراحی نشده که به آسانی یک زن بتواند اغوا کند، یا فریفته شود." ۴

همان طور که می‌بینیم، برادر برانهام به ما می‌گوید که آدم نمی‌توانست فریفته شود، چون او در خلقت، اصلی بود. اما حوا می‌توانست فریفته شود. بنابراین، هنگامی که آنها فرزندان تولید نمودند، آدم و حوا در طبیعت مار نبودند. اما آیا فکر می‌کنید این فرزندان می‌توانند فریفته شوند یا خیر؟

"او به همراه زیبایی و کنترل جنسی‌اش، اندام او که توسط ابلیس به او داده شده، محصول فرعی شیطان، او فرستاده خواهد شد تا پسران خدا را اغوا کند. او می‌تواند بیشتر از هر ابزار ابلیس ایشان را به سمت جهنم بکشاند. این دقیقاً درست است.

۱۷۳ من اکنون در مورد مسایل غیراخلاقی صحبت می‌کنم، نه در مورد شما خواهان." ۵

بنابراین به وضوح می‌بینیم پسران خدا که از نسل آدم آمده بودند، در واقع فریب خوردنشان ممکن بود، مانند مادرشان، حوا. آنها از شرارت پر نبودند، اما زمانی که ابلیس و سوسه‌گر بر دنیا حکومت می‌کند، از هر ابزار ممکن برای اغوای پسران خدا استفاده می‌کند.

ما می‌خوانیم که این دو نوع ذریت در طول زمان با هم آمیخته می‌شوند و نتیجه‌اش این بود که شرارت در سرتاسر نژاد بشر چیره شد. همه چیز با هم آمیخته شد. بیاید کلام خدا را بخوانیم.

"و واقع شد که چون آدمیان شروع کردند به زیاد شدن بر روی زمین و دختران

۴ M0۲۲۱-۶۵ - ازدواج و طلاق - برادر ویلیام ماریون برانهام
۵ M0۲۲۱-۶۵ - ازدواج و طلاق - برادر ویلیام ماریون برانهام

برای ایشان متولد گردیدند،^۲ پسران خدا دختران آدمیان را دیدند که نیکومنظرند، و از هر کدام که خواستند، زنان برای خویشتن می گرفتند.^۳ و خداوند گفت: «روح من در انسان دائماً داوری نخواهد کرد، زیرا که او نیز بشر است. لیکن ایام وی صد و بیست سال خواهد بود.»^۴ و در آن ایام مردان تنومند در زمین بودند. و بعد از هنگامی که پسران خدا به دختران آدمیان در آمدند و آنها برای ایشان اولاد زاییدند، ایشان جبارانی بودند که در زمان سکف، مردان نامور شدند.^۵ و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و هر تصور از خیال‌های دل وی دائماً محض شرارت است.^۶ و خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود، و در دل خود محزون گشت.^۷ پیدایش ۱:۶-۶

"توجه کنید، عیسی گفت: "چنان که در ایام نوح بود، ظهور پسران انسان نیز چنان خواهد بود." حال زمانی که آنها همگی سعی بر ازدواج نمودند... حال تماشا کنید، "پسران خدا با دختران نیکومنظر آدمیان ازدواج کردند." و خدا هرگز ایشان از این بابت نبخشید.

۱۲۰ درست مانند تعلیم بلعام، او موجب شد زن زیبا، خردمند، علمی موآب را... با آن چشمان عشوه گرش، آرایش و پودرهایش، عطر عالی‌اش، تا پسران خدا را اغوا کند؛ در مقابل زنان خود آنها به سختی کار می کردند و دستشان پینه زده بود، و آرایشی نداشتند. ایشان را اغوا کن، و... "بیایید با هم ازدواج نمایم، همه‌ی ما انسان و یکی هستیم." این یک دروغ بود! این یک دروغ بود، و یک دستاورد برای ابلیس، تا پسران خدا را به ازدواج با دختران آدمیان وادارد.^۸

بنابراین پسرانی با طبیعت فرزندی آدم توسط دختران آدمیان از نسل قائن فریب خوردند. این چنین ما ادغام نژاد بشر را می بینیم. ژن قائن با ژن آدم آمیخته شد.

^۶ ۱-۶۵-۸۰۱ M - خدای این عصر شریر - برادر ویلیام ماریون برانهام

توجه کنید که برادر برانهام در مورد ژنتیک چه می‌گوید. آنها هم از پدر و مادر نشات می‌گیرند.

"هر ژنی از پدر و مادر این پسر، صرفنظر از اینکه تا چه حد تغییر یافته باشد، هنوز جسمی می‌باشد که بصورت پیوند نژادی به این پسر ارث رسیده است. بنابراین، این پسر درون خود دارای ترکیبی است، درست مانند خانواده‌ی مادری‌اش. آنها بخشنده نمی‌باشند، آنها معذرت خواهی نمی‌کنند، و این جایی است که این پسر قرار می‌گیرد."^۷

از آنجایی که می‌دانیم نوح و همسرش سه پسر تولید نمودند و این سه پسر کل نژاد بشر را تولید نمودند، بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که همسر نوح یا یک ادغام از نسل آدم و قائن بود یا تنها از نسل قائن بود.

"این است پیدایش نوح، نوح مردی عادل بود، و در عصر خود کامل. و نوح با خدا راه می‌رفت." پیدایش ۹:۶

شجره‌نامه‌ی نوح کامل بود. او فرزند خالصی بود که از آدم و حوا می‌آمد. او می‌توانست فریفته شود، لیکن او دارای طبیعتی پاک و بدون آلودگی از ژن نسل قائن بود. نوح سه پسر داشت، سام و حام و یافث. سام و یافث پسران خوبی بودند، لیکن حام در حضور خدا یک گناهکار شریر بود. خدا دی‌ان‌ای برگزیده‌ی فرزند خواندگی را در طول نژاد بشر انتقال می‌دهد. همان‌طور که اکنون می‌بینیم، یک خانواده دو یا سه فرزند خدا ترس با ژن خدایی تولید می‌کند و یک یا دو فرزند دیگر شریر هستند و خدمت به خداوند را رد می‌کنند.

^۷ ۶۲-۸۰۱-A - تناقض- شیکاگو، ایلینوی - برادر ویلیام ماریون برانهام

نوح و همسرش دو پسر خدا ترس تولید نمودند و یک فرزند شریر. این چنین، ما متوجه می‌شویم که همسر نوح دارای ژنی بود که شرارت را در حام ثمره آورد. این طبیعت و ذریت مار از شیطان به کل نژاد بشر ارث رسیده است. به یاد داشته باشید، که یک کودک مجموع دی‌ان‌ای مادر و پدرش می‌باشد. نه فقط پدر. مرد دارای اسپرم است که حاوی دی‌ان‌ای می‌باشد و زن نیز دارای تخمک است، که حاوی دی‌ان‌ای می‌باشد.

اگر به جبوط برگردیم، قائن پسر مار و حوا است. او با دی‌ان‌ای خدایی و دی‌ان‌ای شریر به دنیا آمد. این‌گونه ژن شیطانی با ژن خدایی آمیخته شد. سپس به نوح و همسرش می‌رسیم که باقی ماده‌ی نژاد بشر را تولید نمودند. توجه کنید برادر برانهام چه گفت:

"حال، نوح و پسرانش که بیرون آمده بودند، حام، سام و یافث، آنها از شجره‌ی نیکویی آمدند. ذریت چگونه به آنجا رسید؟ ذریت از طریق همسرانشان وارد کشتی شد. همان‌طور که در ابتدا از طریق زن انجام شد. آنها حامل ذریت شیطان در کشتی بودند، درست همان‌طور که حوا حامل ذریت شیطان بود تا قائن را بزاید. از طریق زن."[^]

سپس از لحاظ ژنتیکی درمی‌یابیم که حام انسان شیریری بود. حام، سام و یافث همگی از یک پدر و مادر متولد شدند، بنابراین ما متوجه می‌شویم که ژن آنها مابقی نژاد بشر را افزایش داد. نه ژن آنها به تنهایی، همسرانشان نیز ژن خود را آمیختند تا فرزند تولید کنند. بنابراین، طبیعت و ذریت مار از طریق همسرانشان و ژن حام، سام و یافث، در طول نژاد بشر ادامه یافت. ما نمی‌توانیم بگوییم که همسران حام، سام و یافث توسط مار حامله شدند، چون مار نابود شده بود. همچنین نمی‌توانیم بگوییم که با مرد

[^] E۰۹۲۸-۵۸ - ذریت مار - برادر ویلیام ماریون برانهام

دیگری رابطه داشتند. در غیر این صورت این قسمت از کلام را نقض کرده‌ایم که می‌گوید: "و هر امت انسان را از یک خون ساخت تا بر تمامی روی زمین مسکن گیرند..." اعمال رسولان ۱۷:۲۶. همه بر روی زمین از نوح می‌آیند.

در نتیجه، می‌بینیم که هیچ ذریت مار اصیلی بر روی زمین وجود ندارد. همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند، هیچ کس عادل نیست، حتی یک نفر. برادر برانهام گفت: "تک تک ما دورگه‌ای از آن نژاد اصیل می‌باشیم." آنها که عیسی به ایشان خطاب می‌کند: "از پدر خود ابلیس می‌باشید." کرکاس‌های کاشته شده در زمین بودند. آنها از پیش مقدر به محکوم شدن بودند. هیچ‌گونه ژن خدا در زمان تولد در آنها قرار داده نشد. بنابراین، آنها نمی‌توانستند نسبت به کلام خدا واکنش نشان دهند.

"چرا، در مورد تولد از باکره صحبت کنید. آه، این به اندازه‌ی نصف تولد جسمانی اسرارآمیز نیست. آنکه توسط خدا مقرر و از پیش تعیین شده است. ۸۸ حال، در ابتدا، خیلی وقت پیش، سال‌ها پیش از آنکه زمان آغاز شود، شما، اگر شما امشب یک مسیحی تولد تازه یافته هستید، از پیش در خدا بودید، در پدرتان. به همین دلیل است، زمانی که شما اینجا وارد این حیات می‌شوید و مسیحیت را اعتراف می‌کنید، خوب، همه چیز طور دیگری پیش می‌رود، و شما دلیل تمام اینها را نمی‌دانستید. شما در این باره در تعجب بودید. اما، یک روز، فکری به ذهنتان خطور کرد. آن چه بود؟ حیاتی که از ابتدا در آنجا بود."^۹

بعضی به همراه آن ژن از خدا در خودشان به دنیا می‌آیند اما بقیه این چنین متولد نشده‌اند. این ژن در طول نسب‌نامه منتقل شد، آن حیاتی که اصالتاً در خدا بود و آدم را

^۹ ۱۲۰۴-۶۵ - روده شدن - برادر ویلیام ماریون برانهام

تولید نمود. سپس آدم آن حیات را انتقال داد. برخی بواسطه‌ی برگزیدگی همراه آن متولد می‌شوند و برخی بدون آن. به همین دلیل است که خدا یعقوب را دوست داشت و از عیسو متنفر بود. به دلیل حیاتی بود که او در عیسو قرار داده بود. او می‌دانست که یعقوب به آن شکل نسبت به حق نخست‌زادگی واکنش نشان خواهد داد، چون آن نشانگر ژنتیکی از ابتدا در او قرار داده شده بود. راز کشتی در آن حیات پیوندی که در نسل بشر انتقال یافته است آشکار شد.

با تشکر از عضویت شما در «خدمت حقیقت حاضر»، که در حال انجام خدمات بشارتی در خاورمیانه می‌باشد. هدف ما موعظه‌ی پیغام زمان آخر، در هر مکانی است که خداوند ما را فرامی‌خواند. دعاها و حمایت شما، ما را قادر به انجام این امر خواهد ساخت. شما می‌توانید به سایت peygham.net رفته و خدمات در حال پیشرفت ما را حمایت کنید، یا به این آدرس برای ما نامه بنویسید:

Present Truth Ministries
P. O. Box: 34
Hopkins, MN 55343